

أَحْكَامُ صِحَّةِ الْقِرَاءَةِ

أَحْكَامُ صِحَّةِ قِرَاءَتِ نَمَازٍ

از دیدگاه فقہاء و مراجع بزرگوار تقلید

مؤلف و مدرس قرائت و تجوید علی حبیبی



قابل استفاده به صورت پرده نگار (پاورپوینت)

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ نساء/۱۰۳

«نماز فریضه‌ای است که در وقت‌های مختلف بر مؤمنین قرار داده شده است.»
 در اهمیت «نماز» همین بس که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن را «پایه و اساس دین اسلام» قرار داده‌اند. «إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ» و فرموده‌اند: «اولین عملی که (در روز قیامت) محاسبه می‌شود، نماز است، اگر [صحیح باشد و] قبول شود، سایر اعمال نیز قبول می‌شوند و اگر بازگردانده شود [و قبول نشود]، سایر اعمال نیز بازگردانده خواهد شد (و قبول نخواهد شد)». • (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳ و ۲۲، ح ۱۰۱۳)

در این نوشته به بررسی مباحث «احکام صحّت قرائت نماز» از دیدگاه فقها و مراجع بزرگوار تقلید می‌پردازیم.

(قم، علی حبیبی، مؤلف و مدرس قرائت و تجوید)

وجوب قرائت قرآن در نماز

﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾ مُزْمَل ۲۰/

یکی از واجبات نماز، «**قرائت حمد و سوره**» در رکعت های اول و دوم نماز است.

امام رضا علیه السلام «**علت وجوب قرائت قرآن در نماز**» را این گونه می فرماید:

«**برای این که قرآن، مهجور و ضایع نگردد و باید حفظ و به صورت درس درس**

خوانده شود و نابود و فراموش نگردد». (من لا یحضره الفقیه / ۱ / ۲۰۳)

«قرآن کریم»، قانون اساسی و کتاب زندگی مسلمانان است، و بر تمامی مسلمانان

واجب است که برای تعلیم و تربیت و آگاهی بر اصول و فروع دین اسلام و همچنین

حفظ و رساندن آن به نسل های آینده، به مقدار توان به قرائت قرآن بپردازند، و بر

همین اساس «**قرائت قرآن در نماز واجب گردیده است**» تا همه مسلمانان به

صورت روزانه و مستمر با قرآن در ارتباط باشند.

شیوه قرائت قرآن کریم

قرائت قرآن بر اساس آیه ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِیْلًا﴾ باید به صورت ترتیل باشد. (مزمّل/۴)
حضرت علی علیه السلام در معنای «ترتیل» می فرماید: «التَّرتِیلُ حِفْظُ الوُقُوفِ وِ بَیانُ الحُرُوفِ»^۱
برای «حفظ الوقوف»، «علم وقف و ابتداء» و برای «بیان الحروف»، «علم مخارج حروف»
پایه گذاری شد.

برای صحت قرائت، اضافه بر حفظ الوقوف و بیان الحروف، صحیح خوانی از حیث «حرکات،
سکونات و تشدید» نیز لازم است و این صحیح خوانی از دو جهت قابل بررسی است:

یکم: «کیفیت ضبط صحیح کلمات» که هنگام نزول قرآن به چه صورت بوده است؟

«مَالِكٍ» یا «مَلِكٍ»؛ «حَتَّى يَطْهَرْنَ» یا «حَتَّى يَطَّهَّرْنَ»

دوم: «تلفظ صحیح کلمات ضبط شده» که باید به همان صورت ضبط (علامت گذاری)
شده قرائت گردد برای آشنایی بیشتر نخست به بررسی اجمالی آنها می پردازیم.

۱. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۵ و بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۲۳ به جای «بیان الحروف»، «اداء الحروف» آمده است.

قرآن واحد از طرف خداوند واحد

بر اساس صحیح زاره از امام باقر علیه السلام: قرآن یکی است، از طرف خدای یگانه نازل گردیده است و لکن اختلاف (در قرائت) از جانب راویان است؛ (اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۰)

«إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ».

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: اگر مردم قرآن را آن گونه که نازل شده قرائت می کردند، دو نفر با هم اختلاف نمی کردند: **«لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَرَأُوا الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ مَا اِخْتَلَفَ اِثْنَانٍ»**.^۱

سالم بن سلمه می گوید: شخصی قرآن را بر حضرت صادق علیه السلام خواند و من شنیدم، قرائتی که بین مردم متداول نبود، حضرت فرمودند: از این قرائت خودداری کن، قرآن را آن گونه بخوان که مردم می خوانند **«كُفَّ عَن هَذِهِ الْقِرَاءَةِ، إِقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ...»**.^۲

اما این قرائت واحد که در صدر اسلام قرائت می شده کدام است؟ (در صفحه بعد)

۱. بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۸.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۳.

لزوم پیروی از قرائت عامه مسلمین

قرائت موجود که در جهان اسلام رواج دارد، قرائت مورد قبول همه مسلمانان است هم قائلین به قرائت سبعة و هم منکرین آن، چرا که همه قبول دارند که قرائت موجود در زمان ائمه اطهار علیهم السلام و صدر اسلام معمول و متداول بوده است. و نسبت آن به حفص به خاطر پیروی او از قرائتی است که از حضرت علی علیه السلام نقل گردیده است و بیشتر کاتبین وحی، بر اساس همین قرائت، قرآن را علامت گذاری می کردند، و بیشتر علمای قرائت، قواعد تجوید را بر اساس همین قرائت نوشته اند و حافظین قرآن، نخست بر اساس همین قرائت حفظ می کردند. و بیشتر فقهاء و مراجع تقلید فرموده اند که:

«در قرائت نماز، احتیاطاً باید از همین قرائت مشهور پیروی گردد.»

لزوم رعایت حرکات، سکنات و تشدید

شهید اول رحمته الله در رساله الفیه می فرماید: «یکی از واجبات قرائت، رعایت و مواظبت بر اجرای اعراب و تشدید کلمات بر وجهی است که به صورت متواتر

نقل شده باشد». الثانی: «مُرَاعَاةُ اِعْرَابِهَا وَ تَشْدِيدِهَا عَلٰی الْوَجْهِ الْمَنْقُولِ بِالتَّوَاتُرِ»

و این هم می تواند اشاره به «کیفیت قرائت» باشد که وزن و اعراب کلمات باید به صورت متواتر نقل شده باشد و هم اشاره به «صحیح ادا شدن حرکات، سکنات و تشدید کلمات» نیز باشد تا تغییری در معنای کلمات و آیات به وجود نیاید، همان گونه که صاحب عروة الوثقی در مسأله ۳۷ احکام القرائه آورده است:

«اِخْلَالَ دَر حَرَكَتِ بِنَاءٍ وَ يَا اِعْرَابٍ وَ يَا تَشْدِيدِ كَلِمَاتٍ، بَاعَثَ بَطْلَانَ نَمَازٍ مِی گَرَدَد»

یکی از واجبات قرائت نماز، تمیز دادن بین حرکات (صداها) کوتاه و کشیده در تمامی اذکار نماز است و همه فقها و مراجع تقلید بر آن اتفاق نظر دارند، برای نمونه: در تکبیرة الاحرام « اَللّٰهُ اَكْبَرُ »، اگر فتحه همزه « اَللّٰهُ » با مدّ و کشش، « غَاللّٰهُ » خوانده شود و یا الف مدّی لام « اَللّٰهُ » آورده نشود، « اَلّٰهُ » خوانده شود؛ و یا فتحه باء « اَكْبَرُ » با مدّ و کشش، « اَكْبَارُ » خوانده شود، باعث بطلان نماز خواهد شد.^۱

سؤال: ملاک تشخیص حرکات کوتاه و کشیده چیست؟ و آیا درشت خواندن صدای فتحه، شبیه صدای «آ» فارسی، اما بدون مد و کشش، باعث بطلان نماز می‌گردد؟ (در صفحه بعد)

۱. شرح رساله الفیه، ص ۲۳۹ و شرح رساله نقلیه، ص ۱۷۰ و العروة الوثقی، فصل فی تکبیر الاحرام مسأله ۲.

هرگاه بعد از حرکات «فتحه، کسره، ضمه» حرف همجنس آنها «ا، ی، و» قرار گیرد آن حرف، باعث مدّ و کشیدن شدن دو برابر تلفظ همان صدا می‌شود و به آن «حروف مدی» می‌گویند؛ مانند: اذِن - اُذینَا.

زمان تلفظ حرکات (صدا‌های) کوتاه و کشیده با توجه به کندی و سرعت در قرائت (شمرده، تند و معمولی) متفاوت است ولی زمان تلفظ صدا‌های کشیده باید دو برابر زمان تلفظ صدا‌های کوتاه باشد.

در روایات آمده که پیامبر ﷺ حروف مدی را به مد و کشش می‌خواندند:

از انس بن مالک از قرائت رسول خدا ﷺ پرسیده شده، در جواب گفت: «كَانَ مَدًّا» و سپس ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را قرائت کرد و توضیح داد: مدّ می‌داد به (الله) و مدّ می‌داد به (الرَّحْمَنِ) و مدّ می‌داد به (الرَّحِيمِ). (صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۳۴)

لحن عربی حرکات و حروف مدی

رعایت لحن عربی حرکات و حروف مدی، شرعاً واجب نیست ولی جزء مُحَسِّنَات قرائت می باشد و در روایات به آن، سفارش شده است.

رسول خدا ﷺ: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ بِعَرَبِيَّتِهِ - اِقْرُوا الْقُرْآنَ بِالْحَانَ الْعَرَبِ وَاَصْوَاتِهَا»؛

«قرآن را به صورتی عربی آن فرا گرفته و با لحن عربی بخوانید». (وسائل الشیعه، ۴، ۸۵۹)

یادگیری لحن عربی کسره و ضمه، آسان است زیرا شبیه آن در بعضی از کلمات فارسی وجود دارد (مانند: خیابان، زیان، هلو، خروس)، برای کسره کافی است صدای «ای» را با کشش کمتر بخوانیم «ای با کشش کمتر ا!» و برای ضمه، صدای «او» را با کشش کمتر بخوانیم «او با کشش کمتر ا»؛ مانند:

اِبِلٌ، مَالِكٌ، بِسْمِ، فِي دِينِ، قَلُّ هُوَ، نَعْبُدُ، رُسُلٌ، يَدْخُلُ

لحن عربی الف مدّی

شهید ثانی رحمته الله در شرح نفلیه، در بیان مُسْتَحَبَّاتِ قِرَاءَتِ (ص ۱۹۲) می‌فرماید:

«باید از درشت و پرحجم خواندن الف مدی در تمامی حالات پرهیز گردد، چرا که الف مدّی از نظر درشتی و نازکی تابع حرف قبلی است.»

الف مدی: همان صدای فتحه است که با دو برابر مدّ و کشش بیشتر خوانده می‌شود. از این رو بعد از بیست حرف مفتوح که هنگام تلفظ آنها، صدا به طرف کام پائین کشیده شده و به صورت نازک و کم حجم ادا می‌گردند، صدای الف مدی نیز نازک و کم حجم خواهد بود «تَ ← تَا» و بعد از هشت حرف که هنگام تلفظ آنها، صدا به طرف کام بالا کشیده شده و به صورت درشت و پرحجم ادا می‌گردند، صدای الف مدی نیز درشت و پرحجم خواهد بود «طَ ← طَا».

پاسخ به یک شبهه

آیا درشت و پرحجم خواندن صدای فتحه الف «اللَّهُ أَكْبَرُ» (شبيهه صدای «آ» فارسی اما بدون مدّ و کشش) باعث بطلان نماز می‌گردد؟
پاسخ: «از نظر شرعی مسلمانان مأمور به صحیح خوانی هستند نه فصیح خوانی»
با درشت و پرحجم خواندن صدای فتحه، نه حرفی تبدیل به حرف دیگر می‌شود (مانند درشت و پرحجم خواندن صدای سین در «نَسَبًا ← نَصَبًا») و نه صدای کوتاه تبدیل به صدای کشیده می‌گردد، (مانند: اللَّهُ ← ءَاللَّهِ) بلکه از فصاحت آن کاسته می‌شود؛ مانند درشت و پرحجم خواند صدای فتحه حرف لام و میم در ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ است که از نظر تجویدی باید به صورت نازک و کم‌حجم خوانده شوند.

خَلَطٌ وَ مَزَجٌ «۱»

خَلَطٌ وَ مَزَجٌ، هر دو به معنای: **آمیختن چیزی با چیز دیگر است.**

در قرائت قرآن باید دقت گردد تا کلمات شمرده و پشت سر هم خوانده شوند و بین اجزای کلمه مکثی نشود به طوری که یک کلمه را تبدیل به دو کلمه کند؛ برای نمونه؛
«اللَّهُ أَكْبَرُ» به صورت «اللُّ ؛ هَاكِبَر» و یا «قُلْ هُوَ اللَّهُ» به صورت «قُلُّهُ ؛ وَاللَّهُ».

به فتوای همه فقها و مراجع بزرگوار تقلید، باعث بطلان نماز می‌گردد،^۱

مگر اینکه نمازگزار برگردد و آن را اصلاح کند. (عروة الوثقی، احکام القرائه، مسأله ۴۵)

«اگر فاصله و جدایی بین حروف یک کلمه به وجود آید به طوری که از صدق آن

کلمه خارج گردد، اختیاراً باشد یا اضطراراً، باعث بطلان نماز می‌گردد.»

۱. این مسأله اختصاص به قرآن ندارد، در فارسی: «همه از خانه مادر رفتند ← همه از خانه ما؛ در رفتند»
و یا «به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم ← به عزم تو؛ به سحر گفتم استخاره کنم».

خَلَطٌ وَ مَزْجٌ «۲»

و همچنین از خواندن دو کلمه به صورت یک کلمه نیز باید پرهیز گردد.

صاحب عروه رحمته الله در مساله ۵۵ احکام القرائه می فرماید: «سزاوار است کلمات قرآن به نحوی خوانده نشود که بین دو کلمه، کلمه‌ای مَهْمَل و نامفهوم تولید گردد»؛ مانند: دُلِّل، هِرَبِّ، كَيَو، كَنَع، كَنَس، تَع، بَع.

شهید اول رحمته الله برای پرهیز از ایجاد کلمات مهمل، بعد از تأکید بر «آشکار ساختن حرکات بدون زیادروی»، می فرماید: مستحب است «فَتْحَةُ كَافٍ» در (إِيَّاكَ) و «كَسْرَةُ كَافٍ» در (مَالِكٍ) و «ضَمُّهُ دَالٍ» در (نَعْبُدُ) با کمی اشباع و به صورت خالص خوانده شود (و از انفجاری خواندن حرکات آخر کلمه پرهیز گردد). (شرح رساله نفلیه، ص ۱۸۹)

زمان تلفظ حرکات در تمامی حروف، باید یکسان باشد؛ برای نمونه:

زمان تلفظ کسره لام و کاف «مَالِكٍ» باید به یک اندازه باشد.

اسماع نفس: شنیدن صدای حرف

همه فقها و مراجع بزرگوار تقلید «ملاک در صدق قرائت قرآن و اذکار نماز» را «تلفظی بیان کرده‌اند که در حالت عادی (که مانعی از شنیدن نباشد) به گوش قرائت‌کننده برسد و به صورت آشکار و مفهوم شنیده شود».^۱

بر این اساس، حداقل صدای آهسته در نماز که صدق نماز خواند کند، تلفظی است که خواننده نماز به گوش خود برساند و تمامی حروف باید به صورت آشکار و مفهوم شنیده شود، از این رو بر نمازگزار لازم است در تلفظ بعضی از حروف (به ویژه هنگام وقف که باید به صورت ساکن خوانده شوند) دقت لازم را به خرج دهند تا آن حرف تلفظ شده و به صورت مفهوم و آشکار شنیده گردد. (در صفحه بعد به بعضی از آنها اشاره می‌شود)

۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۱۰۶ - جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۹، ص ۳۷۹.

لزوم شنیده شدن صدای حرف ساکن

قال الباقر عليه السلام: «إِذَا أَدْنَتْ فَافْصَحِ بِالْأَلِفِ وَالْهَاءِ». (وسائل الشيعة، ج ٤، ص ٦٣٩)

حرف «هـ ساکن»: حالت مخفی بودن دارد، با فشار مختصری به انتهای حلق باید تقویت گردد تا شنیده شود؛ اِهْدِنَا، بِحَمْدِهِ، إِلَّا اللَّهُ.

هنگام تلفظ پنج حرف «قطب جد» ساکن، صدا کاملاً حبس می‌گردد، تنها با جابه‌جایی مخرج، صدای حرف رها و شنیده می‌شود؛ أَحَدٌ، فَلَقٌ، بُرُوجٌ، كَسَبٌ.

صدای دو حرف «میم و نون» از مجرای بینی خارج می‌گردد که به آن «عُنَّة ذاتی» می‌گویند عُنَّة ذاتی میم و نون ساکن هنگام سکون باید شنیده شود؛ رَحِيمٌ، عَالَمِينَ.

حرف «راء» از لرزش سر زبان تولید می‌گردد، هنگام سکون به ویژه هنگام وقف باید دقت شود که حتماً صدای راء شنیده گردد؛ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْفَجْرُ.

همه فقها و مراجع تقلید می فرمایند: «**هنگام تلفظ حرف مشدد، حرف ساکن باید خوانده شود، زیرا تشدید جانشین حرف ساکن است**».^۱

تشدید: جانشین دو حرف ساکن و متحرک است که در یکدیگر ادغام شده اند.

ادغام: تغییری در ذات حرف مشدد به وجود نمی آورد؛ تنها فاصله تلفظ بین حرف

ساکن و متحرک را از بین می برد، (مَسْ، سَس ← مَسَّ) از این رو در تلفظ حروف

مشدّدی که سایشی هستند باید دقت کرد تا به صورت انفجاری خوانده نشوند،

مانند یاء مشدد در ﴿إِيَّاكَ﴾ و صاد مشدد در ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ﴾ و ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ به

ویژه در ضاد مشدد ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾ که اضافه بر سایشی بودن، استتاله هم دارد.

۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۱۰۴ - جواهر الکلام، ج ۹، ص ۲۸۷، رساله نفلیه، ص ۱۹۰.

کیفیت تولید حرف مشدد

ادغام و تشدید تغییری در ذات حرف به وجود نمی‌آورد، تنها فاصله و جدایی بین حرف ساکن و متحرک را (جهت سهولت در تلفظ) از بین می‌برد. بر این اساس حروف سایشی هنگام مشدد بودن نیز باید سایشی باشند (مَسْ، سَس ← مَسَس) برخلاف حروف انفجاری که هنگام مشدد بودن نیز انفجاری هستند (رَبُّ، بُّ ← رَبُّ).

بعضی از قرآء به خاطر عدم آگاهی از معنای صحیح تشدید، حروف مشدد سایشی را به صورت انفجاری تلفظ می‌کنند **به ویژه در تلفظ حرف ضاد مشدد** که (اضافه بر سایشی بودن، استطاله هم دارد و) **باید صدای ضاد در مخرج حرف جریان داشته باشد؛** مانند: ﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾؛ ﴿وَالضُّحٰی﴾؛ ﴿وَلَا يَحُضُّ﴾؛ ﴿الضَّعِيفُ﴾

وجوب تلفظ حروف از مخارج آنها

همه فقها و مراجع بزرگوار تقلید: «تلفظ حروف از مخارج آنها که به صورت متواترو یکسان نقل شده باشد، شرعاً واجب می دانند»^۱.

عرب ها در صدر اسلام، قرآن را به صورت صحیح تلفظ می کردند، با گسترش اسلام و اختلاط با اقوام غیر عرب، از اصالت خود دور شدند و اشتباه در گفتار آنها پدیدار شد، از این رو حضرت علی علیه السلام برای حفظ قرآن، علم نحو را که در رابطه با اِعراب کلمات بود پایه گذاری و به ابوالاسود دوئلی آموزش داد؛ سپس شاگردان ابوالاسود، «علم مخارج و صفات ذاتی حروف» را پایه گذاری کردند تا «تلفظ صحیح قرآن» برای همیشه محفوظ بماند و سپس علمای قرائت، «علم تجوید که تلفیقی از علم مخارج حروف و اصول قرائی (احکام الحروف [صفات عارضی] است)» را نوشتند.

۱. رساله الفیه، ص ۳۴۰ و ۲۵۶ - جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳۹۸ و رساله های عملیه مراجع بزرگوار تقلید.

تعریف تجوید

تجوید، در لغت به معنای: **تحسین و نیکوسازی** است.

و در اصطلاح قرائت: **إِخْرَاجُ كُلِّ حَرْفٍ مِنْ مَخْرَجِهِ (الْمَنْقُولُ بِالتَّوَاتُرِ) مَعَ إِعْطَائِهِ حَقَّهَا مِنَ الصِّفَاتِ الدَّائِيَّةِ وَ مُسْتَحَقَّهَا مِنَ الصِّفَاتِ الْعَارِضِيَّةِ.**

«تلفظ هر حرفی است از مخرج آن (که به صورت یکسان نقل شده باشد) با در نظر گرفتن و رعایت حق حرف از صفات ذاتی و مستحق حرف از صفات عارضی».

صفات ذاتی: صفاتی است که در طبیعت و ذات حروف نهفته است و باعث تمیز دادن حروف هم مخرج و یا قریب المخرج می شود.

صفات عارضی: صفاتی است که بر اثر ترکیب حروف عارض می گردد و باعث روان و فصیح ادا شدن کلمات و آیات قرآن کریم می شوند.

حکم شرعی رعایت قواعد تجوید

شهید اول علیه السلام در الفیه، «ملاک صحّت قرائت» را «إِخْرَاجُ الحُرُوفِ مِنْ مَخَارِجِهَا المَنْقُولِ بِالتَّوَاتُرِ» فرموده و صاحب حدائق علیه السلام این مسأله را «مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ فقهای شیعه» بیان می‌کند. (حدائق، ج ۸، ص ۱۱۴)

و همچنین «رعایت صفات ذاتی و مُمَيَّزَه» که به فرموده صاحب جواهر «در طبیعت حروف نهفته است» و باعث تمیز دادن حروف از یکدیگر می‌شوند، «بر همه افراد واجب است»، اما «رعایت صفات عارضی و مُحَسِّنَه» که هنگام ترکیب حروف، عارض می‌گردد و باعث روان و نیکو ادا شدن کلمات و آیات می‌گردد، «مُسْتَحَب است»^۱.

۱. جواهر الکلام، ج ۹، ص ۳۹۸ - عروة الوثقی، احکام القرائه، مسأله ۳۷ و ۵۳.

حکم شرعی یادگیری قواعد تجوید

آنچه شرعاً واجب است: تلفظ صحیح حروف به صورت عملی است. بر اساس آنچه که علمای ادبیات و قرائت به صورت یکسان نقل کرده‌اند اما یادگیری آنها به صورت تئوری که محل تولید هر حرفی کجا و با چه ویژگی‌هایی است به فرموده صاحب عروه، شرعاً واجب نیست اما بر معلمین قرآن و طلاب علوم دینی که وظیفه آموزش صحت قرائت قرآن و نماز بر عهده آنها است، شرعاً واجب است، چرا که به فرموده شهید ثانی «بدون دانستن مخارج حروف، علم به خروج حرف از مخرجش معلوم نمی‌گردد»^۱.

۱. عروة الوثقی، احکام القرائه، مسأله ۴۱- شرح رساله الفیه، ص ۲۴۰ و ۲۵۶.

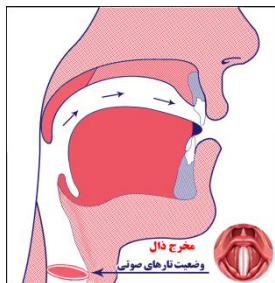
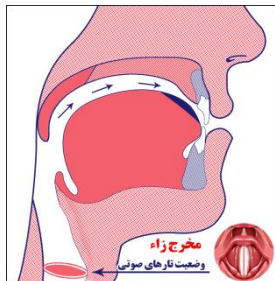
آیا دانستن مخارج حروف کافی است؟

علمای قرائت و تجوید می‌فرمایند: **یادگیری مخارج و صفات حروف برای تلفظ صحیح لازم است ولی کافی نیست**، برای اطمینان از صحّت قرائت، هم‌زمان تلفظ صحیح را باید از اساتیدی که قرائت را از اساتید خود شنیده‌اند نیز شنید؛ ولی با توجه به فاصله زمانی از صدر اسلام تاکنون، امکان اشتباه در نقل قرائت وجود دارد از این‌رو قرائت استاد را باید با ضوابط کتاب‌های معتبر سنجید اگر موافق با آنها بود صحیح است در غیر این صورت، **«ملاک ضوابطی است که در کتاب‌های معتبر آمده است»**.

۱. الدراسات الصوتیه عند علماء التجوید، ص ۶۲ - جُهد المقل، ص ۸۵.

راهکار تشخیص تلفظ صحیح حروف

هنگام تلفظ: صدای حرف باید از محلّی تولید گردد که به صورت متواتر نقل گردیده است.

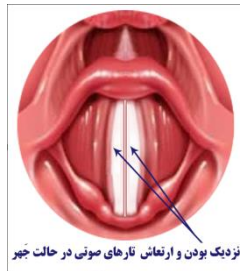
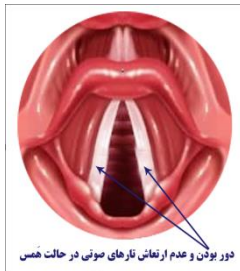
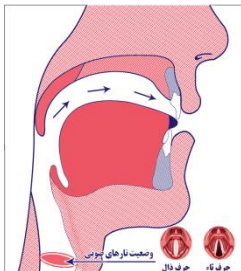


برای نمونه: «حرف زاء»: از برخورد بخش مجاور نوک زبان به پشت لثه دندان‌های پایین و «حرف ذال»: از تماس سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا تولید می‌گردند همراه با ارتعاش تارهای صوتی و با حالت سایشی و به صورت نازک و کم حجم؛ مانند: «زَلّ، ذَلّ»، «زَرعًا، ذَرعًا» اما تنها تلفظ از مخرج کافی نیست باید همراه با صفات ذاتی باشد.

صفات ذاتی: حالت‌هایی هستند که در ذات و طبیعت حروف نهفته است و باعث تمیز دادن حروف هم مخرج می‌شوند. (ادامه صفحه بعد)

جَهْر و هَمْس

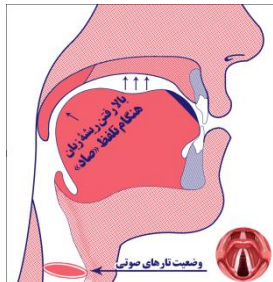
جَهْر: صدای بلندی است که بر اثر ارتعاش تارهای صوتی به وجود می‌آید.
هَمْس: صدای آهسته‌ای است که بر اثر عدم ارتعاش تارهای صوتی به وجود می‌آید.



دو حرف **ذال** و **ثاء**: از تماس سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالا و خروج هوا از میان آنها با حالت سایشی و به صورت نازک تولید می‌گردند با این تفاوت که صدای «**ذال**» بر اثر ارتعاش تارهای صوتی بلندتر و آشکارتر از صدای «**ثاء**» است که بدون ارتعاش تارهای صوتی است؛ مانند: (عُذْر، عَثْر) و همچنین حروف «**زاء** و **سین**»، «**دال** و **تاء**»، «**عین** و **حاء**» و «**غین** و **خاء**».

استعلاء و استفال

استعلاء: بالا آمدن انتها و ریشه زبان به طرف کام بالا و **استفال:** پایین آمدن انتها و



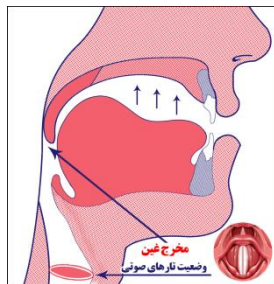
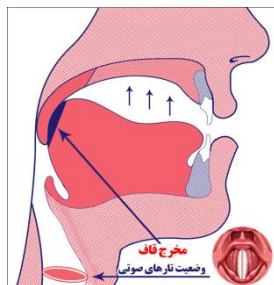
ریشه زبان به طرف کام پایین هنگام تلفظ حرف است. هنگام تلفظ **صاد** و **سین** بخش جلوی سطح زبان به سطح صاف پشت لثه دندان‌های ثنایای بالا نزدیک شده و بدون ارتعاش تارهای صوتی، با حالت سایشی تولید می‌شوند؛ **با این تفاوت:**



صدای صاد بر اثر استعلاء، به طرف کام بالا کشیده شده و درشت و پرحجم ادا می‌گردد، مانند: «نَسَبًا، نَصَبًا» - «عَسَى، عَصَى» همچنین تفاوت «طاء، تاء» و «ظاء و ذال» در استعلاء و استفال است. هفت حرف: «خ، ص، ض، ط، ظ، غ، ق» استعلاء دارند.

شدت و رخوت

شدت: حبس جریان صوت در مخرج و تولید حرف به صورت انفجاری و **رخوت:**



جریان صوت در مخرج و تولید حرف به صورت سایشی است. دو حرف **قاف** و **غین** از حروف استعلاء و با ارتعاش تارهای صوتی درشت و پرحجم ادا می‌شوند، با این تفاوت: **هنگام تلفظ قاف**، ریشهٔ زبان بالا رفته و با زبان کوچک متصل و با جدا شدن از یکدیگر با **حالت انفجاری** تولید می‌گردد و **هنگام تلفظ غین**، ریشهٔ زبان بالا رفته و به زبان کوچک نزدیک و با **حالت سایشی** صدای حرف به دیواره‌های حلق کشیده می‌شود؛ مانند: «أَقْنِي، أَعْنِي» - «قَلِّ، غَلِّ».

هشت حرف «أَجَدْتُ طَبَقَكَ» شدت دارند.

تلفظ ضاد صحیح نزد فقهای شیعه

شهید اول رحمته الله علیه (متوفای ۷۸۶ هـ، در آلفیه، ص ۵۸): «تلفظ حرف از مخرج آن که به صورت متواتر نقل شده باشد، واجب می‌داند و می‌فرماید: اگر «ضاد» از مخرج «ضاء» و یا به صورت «لام درشت» تلفظ شود، نماز باطل است». و شهید ثانی رحمته الله علیه (متوفای ۹۶۶ هـ، در شرح رساله الفیه، ص ۲۵۶) و صاحب مفتاح الکرامه رحمته الله علیه (متوفای ۱۲۲۶ هـ، در قواعد التجوید، ص ۵۱) و صاحب جواهر رحمته الله علیه (متوفای ۱۲۶۶ هـ، در جواهر، ج ۹، ص ۳۹۹)، «ضاد صحیح» را «ضاد حجازی» می‌دانند که از: «بین کنارۀ زبان و دندان‌های آسیا تلفظ می‌شود» و تلفظ «ضاد مصری» که شبیه «دال درشت» است را «صحیح نمی‌دانند و باعث بطلان نماز می‌شود»؛ و برای صحت گفتار خود، چند دلیل آورده‌اند از جمله: «ضاد» اصعب الحروف است در حالی که «دال درشت» سختی ندارد.

تلفظ ضاد صحیح نزد علمای تجوید

علم مخارج حروف، مانند علم نحو، استقرائی و برگرفته از تلفظ عرب صدر اسلام (قبل از اختلاط با اقوام غیرعرب) می باشد و همه تصریح کرده اند:

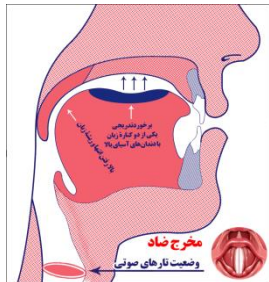
«الضَّادُّ مِنْ بَيْنِ أَوَّلِ حَافَةِ اللِّسَانِ وَ مَا يَلِيهِ مِنَ الْأَضْرَاسِ»

و حرف «ضاد» را، «أَصْعَبُ الحُرُوفِ»، دشوارترین حرف و تلفظ آن مشکل می دانند. و کم هستند افرادی که آن را نیکو تلفظ کنند، و تلفظ آن به صورت «دال درشت صحیح نمی باشد» و آن را تلفظ افرادی می دانند که اصالتاً عرب نمی باشند (مانند مصری ها که بر اثر غلبه قوم عرب بر آنها، عرب زبان شدند).

۱. مکی بن ابی طالب (متوفای ۴۳۷ هـ)، الرعاية في تجويد القراءة؛ ۲. ابو عمرو دانی (متوفای ۴۴۴ هـ)، التحدید فی الاتقان و التجوید؛
۳. عبدالوهاب القُرطبی (متوفای ۴۶۱ هـ)، الموضح فی التجوید؛ ۴. ابن الجزری (متوفای ۸۳۳ هـ)، النشر فی القراءات العشر؛
۵. محمود خلیل الحصری (متوفای ۱۴۰۱ هـ) احکام قراءۃ القرآن الکریم؛ ۶. ابن غانم مقدسی، (متوفای ۱۰۰۴ هـ)، فقیه حَنَفِی و متخصص علم قراءات در کتاب «بُعْیَةِ المَرْتَدِ لِتَصْحِیحِ الضَّادِ» دوازده دلیل بر بطلان «دال مفخم» آورده است.

تلفظ ضاد حجازی

هنگام تلفظ حرف ضاد حجازی: ریشهٔ زبان بالا رفته و با برخورد تدریجی یکی از دو



کنارهٔ زبان با دندان‌های آسیای بالای همان طرف و کشیده شدن صدای حرف از میان آنها همراه با ارتعاش تارهای صوتی به طرف کام بالا به صورت درشت و پرحجم ادا می‌گردد؛ مانند: **فَضْلًا**، **رَضِي**، **مَغْضُوبٍ**، **رَاضِيَّةً**، **رِضْوَانًا**.

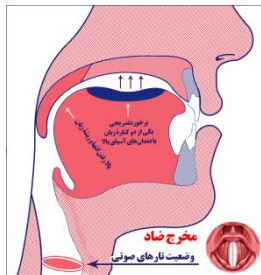
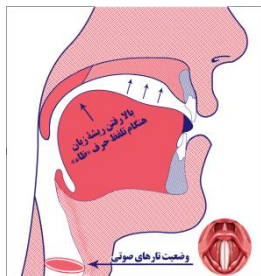
«حرف ضاد» دارای «**رخوت و استطاله**» است.

یعنی اضافه بر سایشی بودن، صدای حرف باید در مخرج آن جریان بیشتری داشته باشد، از این رو در تلفظ «ضاد مشدد» صدای حرف نباید قطع گردد. **وَلَا الضَّالِّينَ**، **الضَّعِيفَ**.



لزوم تمایز بین «ضاد» و «ظاء»

اگر «ضاد» به صورت «ظاء» یا برعکس تلفظ گردد، نماز باطل است.^۱



بر این اساس باید دقت نمود تا هر حرفی از مخرج خود ادا و از یکدیگر تمیز داده شوند؛ «حرف ظاء» از برخورد سر زبان با سر دندان‌های ثنایای بالای و «حرف ضاد» از برخورد یکی از دو کنارهٔ زبان با دندان‌های آسیای همان طرف و کشیده شده صدا از میان آنها تولید می‌گردد؛ مانند:

«نَضْرَةٌ - نَظْرَةٌ» - «ضَلٌّ - ظَلٌّ»

أَنْقَضَ ظَهْرَكَ - مُغَاضِبًا فَظْنَ - فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ
بَعْضَ الظَّالِمِينَ - يَعِضُّ الظَّالِمُ - ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

۱. عروة الوثقی، کتاب الصلاة، فصل فی القراءة، مسأله ۳۲ و ۳۷.

اهمیت وقف و ابتدا

حضرت علی علیه السلام در معنای آیه ﴿ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً ﴾، «**حفظ الوقوف**» را «**نیمی از ترتیل**» دانسته‌اند: «التَّرْتِيلُ حِفْظُ الْوُقُوفِ وَ بَيَانُ الْحُرُوفِ». (تفسیر صافی، ۱، ۴۵؛ رساله الفیه، ص ۱۸۸؛ النشر، ۱، ۲۳۱)

علمای قرائت، برای تحقق فرمایش آن حضرت «**علم وقف و ابتدا**» را پایه‌گذاری کردند. که در رابطه «**محل‌های صحیح وقف و ابتدا و نحوه وقف کردن بر آخر کلمات**» بحث می‌کند. لازمه انتخاب مناسب برای وقف، آشنایی با معانی آیات است، و علمای قرائت برای آن تقسیم‌بندهایی انجام داده‌اند که هیچ کدام حجت شرعی ندارد؛ و تنها برای راهنمایی قاریان قرآن است؛ **به طور کلی: وقف واجب یا حرام نداریم** مگر اینکه قاری از روی عمد و اختیار جایی توقف کند که معنای آیه را دگرگون سازد.

و برای «**نحوه وقف کردن**» گفته‌اند: «**وقف به حرکت و وصل به سکون جایز نیست**».

نحوه وقف کردن بر آخر کلمات

در قرائت قرآن: «**وقف بر متحرک جایز نیست**» و در صورت متحرک بودن تغییراتی در آخر کلمه به وجود می‌آید که مهمترین آنها، عبارتند از:

«**اسکان**»: اگر آخر کلمه، متحرک و یا تنوین کسره و ضمه باشد، ساکن می‌گردد؛

مانند: $\text{عَالَمِينَ} \leftarrow \text{عَالَمِينَ}$ ؛ $\text{رَحِيمٍ} \leftarrow \text{رَحِيمٍ}$.

$\text{نَسْتَعِينُ} \leftarrow \text{نَسْتَعِينُ}$ ؛ $\text{عَظِيمٍ} \leftarrow \text{عَظِيمٍ}$ ؛ $\text{أَحَدٌ} \leftarrow \text{أَحَدٌ}$

«**ابدال**»: اگر آخر کلمه، تایی گرد «**ة، ة**» باشد، تبدیل به های سالن «**ه، ه**»

می‌گردد؛ مانند: $\text{الصَّلَاةِ} \leftarrow \text{الصَّلَاةِ}$ ؛ $\text{مُطَهَّرَةً} \leftarrow \text{مُطَهَّرَةً}$

و همچنین اگر تنوین فتحه باشد، تنوین حذف و تبدیل به الف مدی (ـِ) می‌گردد؛

مانند: $\text{أَعْنَابًا} \leftarrow \text{أَعْنَابًا}$ ؛ $\text{هُدًى} \leftarrow \text{هُدًى}$ ؛ $\text{عِشَاءً} \leftarrow \text{عِشَاءً}$.

وقف به حرکت و وصل به سکون

همه مراجع بزرگوار تقلید، احتیاط فرمودند که در قرائت نماز، «وقف به حرکت و وصل به سکون» انجام نگیرد.

در هنگام وقف دو کار همزمان باید انجام گیرد.

۱- قطع صوت و فاصله انداختن بین دو کلمه (تا وقف تحقق پیدا کند)؛

۲- ساکن کردن حرف آخر کلمه (چرا که وقف بر متحرک جایز نمی باشد).

اگر وقف بشود ولی حرف آخر کلمه ساکن نگردد؛ «وقف بر متحرک» است

و اگر حرف آخر کلمه ساکن شود ولی وقفی صورت نگیرد، «وصل به سکون»

است، و هر دو در قرائت قرآن جایز نمی باشند.^۱

۱. عروة الوثقی، فی احکام القراءة، مسأله ۳۸ و ۳۹ و توضیح المسائل مراجع، مسأله ۱۰۰۴.

وقف بر آخر آیات، سنّت نبوی است

وقف بر آخر آیات، سنّت نبوی و سیره مسلمانان است

صاحب عروه علیه السلام پنجم از مُسْتَحَبَّاتِ قِرَاءَتِ رَا «الْوَقْفُ عَلَى فَوَاصِلِ الْآيَاتِ» شمرده و فقهای بزرگوار، دلیل آن را روایت امّ السّلمه می دانند که فرموده: «پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هنگام قرائت، آیات را جدا جدا می خواندند» كَانِ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله يُقَطِّعُ قِرَاءَتَهُ آيَةً آيَةً. (وسائل ۱/ ۴/ ۸۵۶)

و علمای قرائت، با استناد به همین روایت، «**وقف بر آخر آیات را سنّت نبوی**» معرفی کرده اند و بهترین وقف، وقف بر رؤوس آیات می دانند هرچند از نظر معنایی تَعَلُّقُ به آیه بعدی داشته باشد. (النشر، ج ۱، ص ۲۲۶؛ المکتفی فی الوقف والابتداء، ص ۱۱۰)

اضافه بر آن به استناد روایت امام صادق علیه السلام **قِرَاءَتِ يَكِ سُوْرَه بَه يَكِ نَفْسِ كِرَاهَتِ دَارِد:**
«يَكْرَهُ أَنْ يُقْرَأَ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ فِي نَفْسٍ وَاحِدٍ». (وسائل ۱/ ۴/ ۸۵۶)

وقف بر اواخر فصول اذان و اقامه

شهادت اول علیه السلام: **وقف بر اواخر فصول اذان و اقامه را جزء مستحبات شمرده است.**

و شهادت ثانی علیه السلام در شرح آن آورده است: «وَلَوْ أَعْرَبَهُمَا فَعَلَ مَكْرُوهاً وَ أَجْزَأً». (ج ۱، ص ۱۴۳)

صاحب جواهر علیه السلام: **دوم از مستحبات اذان و اقامه را وقف بر آخر آنها شمرده است** (ج ۹، ص ۹۴)

و دلیل آن را روایات امام باقر و امام صادق علیهم السلام می داند که به تعبیر مختلف نقل گردیده

است: «الْأَذَانُ جَزْمٌ...». «الْتَّكْبِيرُ جَزْمٌ فِي الْأَذَانِ»، «الْأَذَانُ وَ الْإِقَامَةُ مَجْزُومَانِ» و در حدیثی

دیگر «موقوفان»^۱ و سپس به نقل از کتاب «تذکره» آن را اجماعی می داند. و شهادت ثانی در

شرح لمعه می فرماید: «حتی اگر وقف نکند، در این صورت وصل به سکون سزاوارتر

است از آوردن اعراب آخر فصول اذان و اقامه».

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۶۳۹.

بهترین راه برای آموزش و یادگیری قرائت صحیح، استفاده از نوارهای آموزشی قرائت قرآن کریم می باشد، برای این منظور، سوره کوتاهی را انتخاب و مراحل ذیل را به ترتیب انجام دهید.

- ۱- پخش آیات و گوش دادن همزمان با نگاه کردن به خط قرآن؛
- ۲- پخش دوباره همان آیات و خواندن همزمان با نوار با صدای آهسته؛
- ۳- پخش دوباره همان آیات و خواندن همزمان به صورت همخوانی با نوار؛
- ۴- همانند مرحله اول، به آیات پخش شده گوش می دهیم، در هنگام وقف، ایست نوار را می زنیم و مانند نوار می خوانیم، و سپس به این نحو ادامه می دهیم؛
- ۵- بر عکس مرحله چهارم، اول می خوانیم و سپس با نوار مقایسه می کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينٌ ﴿٦﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ﴿١﴾ وَرَأَيْتَ النَّاسَ
يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ﴿٢﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ﴿٣﴾

مدّ فرعی و عارضی

«مدّ» در اصطلاح قرائت: «کشش صوت در حروف مدّی پیش از مقدار طبیعی». «حروف مدّی» به طور طبیعی باعث دو برابر مدّ و کشش صدای حرکات می شوند و به آنها «مدّ طبیعی، ذاتی و اصلی» گفته می شود؛ مانند: اُذِنَ ← اُذِينَا

«رعایت مدّ طبیعی، شرعاً واجب و عدم رعایت آن باعث بطلان نماز می گردد».

هرگاه بعد از «حروف مدّی» سبب مد (همزه، سکون یا تشدید) بیاید، حروف مدّی بیش از مقدار طبیعی کشیده می شوند، و به آنها «مدّ غیرطبیعی، عارضی و فرعی» می گویند؛ مانند: مَلَائِكَةٌ، اَلْآنَ، ضَالِّينَ.

علت مد اضافی: سهولت در تلفظ همزه و رفع التقای ساکنین در حرف ساکن است. فتوای فقها و مراجع بزرگوار تقلید در رابطه با مدّ فرعی و عارضی مختلف است؛ هر کس باید به فتوای مرجع تقلید خود مراجعه کند.

مدّ فرعی در روایات اسلامی

۱- ثقة الاسلام کلینی (در فروع کافی/۶/۲۲۳) از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند: آن حضرت (به مناسبتی) در تلاوت سوره حمد، وقتی به **﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾** رسیدند، فرمودند: «مَدَّ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَوْتَهُ **﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾**»؛ یعنی: «رسول خدا، الف مدّی **﴿وَلَا الضَّالِّينَ﴾** را با مدّ و کشش بیشتری می‌خواندند».

(مدّ اضافی به خاطر حرف مشدّدی است که بعد از الف مدّی آمده است).

۲- ابن الجزری (در النشر/۱/۳۱۵) از ابن مسعود در قرائت آیه **﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ﴾** از پیامبر گرامی اسلام عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند که آن حضرت «الف مدّی **﴿لِلْفُقَرَاءِ﴾** را به مدّ خوانده است، پس شما هم آن را مدّ بدهید».

(مدّ اضافی به خاطر حرف همزه است که بعد از الف مدّی آمده است).

مد متصل و منفصل

«**مد متصل**»: حرف مدّ و همزه در یک کلمه است؛ مانند: **يَشَاءُ**، **سُوءٌ**، **جِيءَ**.

مقدار کشش: ۴ الی ۶ حرکت، و به آن «**مد واجب**» نیز می گویند.

چون همه علمای قرائت و تجوید در مدّ و کشش اضافی آن اتفاق نظر دارند.

«**مد منفصل**»: حرف مدّ در آخر کلمه و همزه در ابتدای کلمه بعدی است؛

مانند: **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ**، **فِي أَهْلِ**، **قَالُوا إِنَّا**.

مقدار کشش ۲ الی ۵ حرکت و به آن «**مد جایز**» نیز می گویند.

چون همه علمای قرائت و تجوید در مدّ و کشش اضافی آن، اتفاق نظر ندارند.

یادسپاری: «**مراد از واجب، وجوب صناعی**» است؛ یعنی: نزد علمای فنّ قرائت و

تجوید، واجب است؛ اما «**وجوب شرعی**» را باید به فتوای مرجع تقلید مراجعه کرد.

مد لازم و عارض

«مد لازم»: مدّی است که سبب آن «سکون ثابت» باشد؛ مانند: **ءَآلَانَ**.
و گاهی حرف ساکن در حرف بعدی ادغام و به صورت حرف مشدّد خوانده می شود؛ مانند: **وَلَا الضَّالِّينَ** ← **وَلَا الضَّالِّينَ**.

مد لازم نزد همه علمای قرائت و تجوید لازم است (۶ حرکت)

«مدّ عارض»: مدّی است که سبب آن «سکون عارض» باشد که بر اثر وقف به وجود می آید؛ مانند: **تُكذِّبَانِ** ← **تُكذِّبَانُ**؛ **نَسْتَعِينُ** ← **نَسْتَعِينُ**.

مد عارض نزد همه علمای قرائت و تجوید جایز است (۲ الی ۶ حرکت)

«مدّ لین»: به جای حرف مدّی «حرف لین» آمده؛ مانند: **يَوْمٌ خَيْرٌ**.
مدّ لین در حروف مقطعه لازم و در سایر کلمات در حکم مدّ عارض است.

احکام نون ساکن و تنوین «۱»

رعایت «**احکام نون ساکن و تنوین**»، جزء «**مُحَسَّنَاتِ قِرَاءَتِ**» می باشد، ولی بعضی از مراجع بزرگوار تقلید، «ادغام در یرملون» را، «احتیاطاً لازم» دانسته اند. «**نون ساکن و تنوین**» در مجاورت «**بیست و هشت حرف**»، «**چهار حکم**» دارد:

۱. اظهار: «**نْ + حروف حلقی**»؛ (أ، ه، ع، ح، غ، خ)؛

۲. ادغام: «**نْ + یرملون**»؛ ادغام } با غُنه: «**ی، م، و، ن**»
بدون غُنه: «**ل، ر**»

۳. قلب به میم: «**نْ + ب = م** اخفای با غُنه»؛

۴. اخفاء: «**نْ + مابقی حروف** = اخفای با غُنه».

احكام نون ساكن و تنوين «۲»

نون ساكن و تنوين نزد حروف حلقى، اظهار و به صورت آشكار و بدون تغيير خوانده مى شود؛ مانند: كَفُّواْ اَحَدًا، سَمِعَ عَلِيْمٌ، عَلِيْمًا حَكِيْمًا، مِنْ اِلَهٍ غَيْرُهُ
 «نون ساكن و تنوين» در «يرملون»، «ادغام» مى شود، و بر دو قسم است:

ر	مَنْ رَحِمَ - بَشَرًا سُوْلًا - فِي عَيْشَةٍ رَّاضِيَةٍ - غَفُورًا رَحِيْمًا	} ادغام بدون غنّه
ل	مِنْ لَدُنْ - رِزْقًا لَّكُمْ - دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوَكُمْ - فَوَيْلٌ لِلَّذِيْنَ	
ن	اِنْ نَّشَأُ - وَاَحِدًا تَتَّبِعُهُ - اِلَى شَيْءٍ نُّكْرٍ - حِطَّةً نَّغْفِرُ	} ادغام با غنّه
م	مَنْ مَعِيَ - فَتَحًا مُّبِيْنًا - بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ - قَوْمٌ مُّنْكَرُوْنَ	
و	مِنْ وٰلِيٍّ - اُمَّةً وَّاحِدَةً - بِعَذَابٍ وَّاقِعٍ - اُذُنٌ وَّاعِيَةٌ	
ي	مَنْ يَقُوْلُ - سٰقِطًا يَقُوْلُوْا - لِقَوْمٍ يُؤْمِنُوْنَ - وُجُوْهُ يَوْمَئِذٍ	

احکام نون ساکن و تنوین «۳»

«نون ساکن و تنوین» نزد حرف «باء»، «قلب به میم» و به صورت «میم اخفایی و با غُنّه» خوانده می‌شود.

«اخفا»: «حالتی است بین اظهار و ادغام همراه با غُنّه».

هنگام اخفای میم، لب‌ها به مخرج باء، نزدیک و صدای «غُنّه میم به اندازه دو حرکت» از فضای بینی خارج می‌شود و سپس حرف باء ادا می‌گردد؛ مانند:

أَنْبِيَاءَ مِنْ بَعْدِ بَصِيرٍ بِمَا سَمِعًا بَصِيرًا - جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ
أَنْبِيَهُمْ مَنْ بَعَثْنَا - عَلِيمٌ بِذَاتِ - جَزَاءٍ بِمَا - كِرَامٍ بَرَرَةٍ

احکام نون ساکن و تنوین «ع»

«نون ساکن و تنوین»، نزد «پانزده حرف» (باقیمانده)، «اخفاء» می‌شود و «با غُنّه» همراه است.

هنگام اخفاء، تنها قسمت خیشومی نون، به اندازه دو حرکت در فضای بینی نگه داشته می‌شود و همزمان، زبان به طرف حرف بعدی نزدیک شده و سپس حرف بعدی تلفظ می‌گردد؛ مانند:

إِنْ تَحْمِلْ - خَيْرٌ ثَوَابًا - إِنْ جَعَلَ - رُكُنٍ شَدِيدٍ - مِنْ ذَهَبٍ
نَفْسًا زَكِيَّةً - أَنْ سَيَكُونُ - كَأَسَا دِهَاقًا - وَلَمَنْ صَبَرَ

احکام میم ساکن

۱- «میم ساکن» در حرف «میم متحرک» بعد از خود «ادغام باغنه» می شود، صدای میم مشدد به اندازه دو حرکت در فضای بینی امتداد می یابد؛ مانند:

كَمْ مِنْ = كَمِنْ؛ هُمْ مِنْهَا = هُمِّنْهَا؛ لَهُمْ مَا = لَهُمَّا

۲- «میم ساکن» در مجاورت حرف «باء»، «اخفاء باغنه» می شود؛ مانند:

رَبَّهُمْ بِهِمْ. أَنْتُمْ بِهِ. عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ. بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ

۳- «میم ساکن» در مجاورت «بیست و شش حرف» باقیمانده، «اظهار» می گردد؛ مانند:

إِنَّهُمْ كَانُوا. تَمْسُونَ. لَكُمْ فِيهَا. أَمْوَالَهُمْ

شکرانه

این نوشته، فشرده‌ای از مباحث کتاب «احکام تجوید القرائه» است، برای دسترسی به آن (و همچنین سایر تألیفات) به آدرسی که در پایین همین صفحه آمده مراجعه کنید.

خداوند را شاکرم که به این بنده ناچیز توفیق داد تا در زمرهٔ معلمین قرآن کریم قرار گیرم و چند صفحه‌ای در موضوعات مختلف قرآنی به یادگار بگذارم (بعضی از تألیفات):

۱. آموزش روخوانی قرآن سطح ۱ و ۲ (خردسالان و بزرگسالان) و راهنمای تدریس روخوانی برای معلمین.

۲. آموزش تجوید قرآن سطح ۱ و ۲ (مقدماتی و تکمیلی) و راهنمای تدریس تجوید برای معلمین

۳. آداب و احکام تلاوت قرآن کریم به ضمیمهٔ ذکرهای تلاوت.

۴. روش‌های حفظ قرآن کریم.

۵. آشنایی با ترجمه و مفاهیم با رویکرد اصول عقائد و اخلاق و...

سایت اندیشوران حوزه علمیه قم . قسمت علوم قرآنی . علی حبیبی احمدآبادی

کانال ما در سروش: @habibi.tajvid و در ایتا @habibi_tajvid

۲۱ رمضان المبارک ۱۴۴۴ . مصادف با سالروز شهادت اولین شهید محراب، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب * (۲۳ فروردین ماه ۱۴۰۲)

قم . شیخ علی حبیبی . همراه ۰۹۱۲۲۵۳۲۹۶۹